

مدیریت مخلص؛ نیاز ورزش کشور

ورزش کشور نیاز به مدیریتی پرتلاش، مخلص و متخصص دارد. نابسامانی‌های موجود و مشکلاتی که بر سر راه ورزش وجود دارد با وجود "خدمت بی‌منت" قابل حل می‌باشد.

یکی از بزرگترین مشکلات موجود، مدیران آویزان، مدیران ناکارآمد و مدیران تحمیلی خارج از مجموعه ورزش می‌باشد. چرا با وجود استعدادها و امکانات کافی موفقیت مورد نظر در ورزش حاصل نمی‌شود؟ به چه دلیلی از همه آنچه که در اختیار ورزش است استفاده بهینه نمی‌شود و چرا کسانی که در ورزش در رأس امور قرار دارند چندان روی خوش به برنامه‌ریزی نشان نمی‌دهند و نقشه راه مشخصی برای آینده ترسیم نمی‌کنند؟

روزمرگی و دل بستن به نتایج زودگذر و انجام حرکات فریبنده برای ورزش کشوری که می‌تواند در بیشتر رشته‌ها در سطح دنیا آقایی بکند آفتی خطرناک و سمی کشنده است. کارهای ساختاری و اهمیت دادن به اقدامات زیربنایی در ورزش ما از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟

به همان میزانی که برای بهره‌برداری‌های حاشیه‌ای، راه انداختن برنامه‌های تبلیغاتی و ایجاد سر و صدا در ورزش هزینه کرده و وقت صرف شده است آیا در مسیر صحیح و اصولی و رسیدگی به مشکلات واقعی و اقدام قاطع برای جبران عقب ماندگی‌ها نیز توجه شده است؟

دلیل اصلی برای عدم به کارگیری صاحبان اصلی ورزش در امور مربوط به آن و سپردن مسئولیت‌های کلیدی و اصلی به استخوان خرد کرده‌های ورزش چه می‌تواند باشد؟

ترس از سرنوشت صندلی مدیریتی یکی از علل عدم دعوت از ورزشی‌ها برای حضور فعال در عرصه مدیریت‌بخش‌های مختلف آن می‌باشد. این امر می‌تواند در همه سطوح مدیریتی ورزش از یک شهر تا مسئولیت‌های کلیدی و حساس صادق باشد.

مدیری که تحمیلی است، مدیری که در جامعه ورزش میهمان ناخوانده است، مدیری که با زیر و بم ورزش غریبه است و مدیری که نه در سایه شایسته سالاری بلکه با زد و بندهای سیاسی به جایگاهی می‌رسد نمی‌تواند در کنار خود صاحبان اصلی ورزش را تحمل نماید. البته ممکن است این کار توسط برخی از ورزشی‌های به منصب رسیده نیز انجام

شود ولی معمولاً از درصد پائینی برخوردار بوده و چندان نمی‌توان بر روی آن تأکید نمود.

ضرباتی که تاکنون ورزش کشور از مدیران بی‌انگیزه خورده است غیر قابل جبران می‌باشد. اکثر این قبیل از به اصطلاح مدیران برای خدمت به ورزش نیامده‌اند بلکه آنها آمده‌اند تا ورزش را ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف سیاسی، بانندی و گروهی قرار بدهند. آنها از شورآفرینی ورزش در جهت تبلیغات حزبی و رجزخوانی برای اثبات برتری خود و ناکارآمدی دیگران استفاده می‌کنند.

مثال روشن و واضح برای این بحث، وضعیت فوتبال کشور است. هر وقتی اداره امور آن به دست غیرفوتبالی‌ها سپرده شده قرار گرفتن در سرایشی سقوط حتمی شده است.

این سقوط تنها مربوط به کسب نتیجه نیست. نتیجه فقط بخش کوچکی از آن می‌تواند باشد. جنبه‌های دیگری چون فساد، نابسامانی اخلاقی و فروریختن دیوار حرمت از دیگر موارد قابل ذکر است.

چرا مبارزه با فساد در فوتبال علیرغم شعارهای فراوان به نتیجه نرسیده است. مقابله با فساد در فوتبال همت، شجاعت و استقامت می‌طلبد. آنهایی که در فوتبال و ورزش مخالف مبارزه با فساد هستند و به نوعی در مسیر آن سنگ اندازی می‌کنند و چوب لای چرخ می‌گذارند باید شناسایی شوند و به طور کامل از صحنه ورزش و فوتبال طرد گردند.

امیدواریم حداقل در دولت آینده برای ورزش و مدیریت آن چاره‌ای در راستای نفع ورزش و جامعه ورزش اندیشیده شود و اداره امور آن به امتحان داده‌های دارای کارنامه قابل قبول سپرده شود. انشالله.